



# دوبینک فوری شب امتحان

خلاصه فشرده برای مرور سریع ❄️

عربی، زبان قرآن یازدهم مشترک



مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَّة)	سَخِرَ مِنْ لا يَسْخَرُ:	پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید	إِتَّقَى
عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)	عَابَ	گناه = ذَنْبٌ	إِثْمٌ
خودپسندی	عُجِبَ	غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند	إِغْتَابٌ
شاید = زُمْناً	عَسَى	که باشند (كانَ، يَكُونُ)	أَنْ يَكُنَّ
آلوده شدن به گناه	فُسِقُوا	که باشند (كانَ، يَكُونُ)	أَنْ يَكُونُوا
گاهی، شاید (بر سر مضارع) «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	قَدْ	یکدیگر	بَعْضٌ ... بَعْضٌ
ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)	كَرِهَ	بد است	بِئْسَ
گوشت «جمع: لُحُومٌ»	لَحْمٌ	توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) توبه نکرد	تَابَ لَمْ يَتُبْ
لقب داد (مضارع: يُلقِبُ)	لقَّبَ	جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)	تَجَسَّسَ
عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)	لَمَزَ	به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)	تَنَابَزَ بِالْألقَابِ
مُرده = مَيِّتٌ «جمع: أموات، مؤتئى» ≠ حَيٌّ	مَيِّتٌ	بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه کننده	تَوَابٌ
		پنهان ≠ ظاهر	خَفِيَ

درس دوم: أسلوب الشرط و أدواته



فرار کرد	تَهَرَّبَ	گران قدرتر	أَجَلَ
شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ)	حَجَلَ	اذیت کرد (مضارع: يُؤذِي)	أَذَى
پیشی گرفت (مضارع: يَشْبِقُ)	سَبَقَ	آزار داد (مضارع: يُزْعِجُ)	أَزْعَجَ
رفتار	سَلُوكَ	آزار رساندن	إِزْعَاجَ
رسپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)	عَصَى	گوش فرا داد (مضارع: يَسْتَمِعُ)	إِسْتَمَعَ
اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)	فَكَّرَ	پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)	الْتَزَمَ
برخیز ← (قام، يَقُومُ)	قُمَ	روی برگرداندن	إِلْتِفَاتَ
زدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)	كَادَ	روی برگرداند (مضارع: يَلْتَفِتُ)	إِلْتَفَتَ
زمینه	مَجَالَ	گاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)	أَلَّفَ
شلوغ کننده و اخلا لگر	مُشَاغِبَ	کتاب های تربیتی	الْكُتُبَ التَّرْبَوِيَّةَ
کامل کرد (مضارع: يُوَفِّي) «وَفَّهِ التَّجِيلَ: احترامش را کامل به جا بیاور.»	وَفَّى	ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)	أَنْشَأَ
		یک بار = مَرَّةً	تَارَةً
		بزرگداشت	تَبْجِيلَ

درس سوم: المَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ



کلمات مهم درس ۳

مغز میوه	لُب	حلال‌تر، حلال‌ترین	أَحْلَى
اقیانوس آرام	الْمُحِيطُ الْهَادِئُ	خوب‌تر، خوب‌ترین = أَحْسَنُ، أَفْضَلُ	أَطْيَبُ
کهن‌سال	مُعَمَّر	شاخه‌ها «مفرد: عُصْنُ»	أَغْصَانُ، عُصُونُ
ویژگی‌ها	مُواصِفَات	تنه «جمع: جُدُوعُ»	جِدْعُ
روبیید (مضارع: يَنْبُتُ)	نَبَتٌ	جزیره‌ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»	جَزُرٌ
توصیف می‌کنیم	نَصِفُ	دانه گردو، بلوط و مانند آن	جَوْزَةٌ
هسته	نَوَى	شکافنده	فَالِقٌ

کلمات مهم درس ۴

سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ (مضارع: يُكَلِّمُ)	كَلَّمَ	فرا بخوان (دعا، يَدْعُو)	أَدْعُ
سخن نگو (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)	لَا تُحَدِّثُ	که دخالت نکند (تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)	أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ
پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)	لَا تَقْفُ	تهمت‌ها «مفرد: تَهْمَةٌ»	تُهَمُّ
تا قانع کند (أَفْنَعُ، يُفْنِعُ)	لِئِي يُفْنِعَ	لغزش	زَلَلٌ
نرم ≠ حَشِنٌ	لَيِّنُ	درست و استوار	سَدِيدٌ
نرمی ≠ حُشُونَةٌ	لِينٌ	خوشا به حال	طُوبَى لـ
پنهان = حَفَى	مَحْبُوءٌ	عادت داد (مضارع: يُعَوِّدُ)	عَوَّدٌ
در معرض می‌گذارد (ماضی: عَرَّضَ)	يُعَرِّضُ	کمی ≠ كَثْرَةٌ	قَلَّةٌ